



TEXT: +44 7797 800 600
EMAIL: riz@aljazeera.net

یا هر کشور دیگری از منطقه، پیوند بخورند؟

رمضان: حرف درستی که ژبک می‌زند، و بسیار مهم است. هنگامی که درباره غرب صحبت کرده و به شرایط دنیای اعراب نگاه می‌کنید درمی‌یابید که سال‌ها رژیم‌های عربی، با این بهانه که اگر آن‌ها نباشند شرایط با اسلام رادیکال بدتر خواهد شد، مورد حمایت غرب بوده‌اند. غرب تلاش می‌کرد که این استدلال را جا بیندازد. پس هنگامی از دموکراسی حمایت می‌کنند که به نفع آن‌هاست، نه آن زمانی که بحث واقعا، به ارزش‌های دموکراسی مربوط است. پس اگر آن‌ها به‌عنوان یک غربی درباره جهانی بودن ارزش‌های دموکراتیک، آزادی و تساوی جدی بودند، باید به روشنی از مردم مصر حمایت می‌کردند. نه آن که سکوت کرده و به بهانه حمایت از امنیت و اسرائیل، انتظار بکشند تا ببینند چه اتفاقی می‌افتد. اسرائیل هم می‌گفت که از مبارک حمایت می‌کنیم زیرا که اگر مبارک نباشد، اسلام‌گرایان بر سر کار خواهند آمد. این چه منطقی است؟ این چه منطقی است که می‌گوید امنیت اسرائیل، توجه‌کننده رژیم دیکتاتوری در کشورهای اطراف آن است؟

مجرى: می‌خواهم از شما درباره ترس از اسلام رادیکال بپرسم که در آمریکا و اروپا بسیار شنیده می‌شود. آیا فکر می‌کنید که ترس حقیقی و ملموسی است؟ در حالی که مدت‌ها پیش باید با کشوری مانند عربستان برخورد می‌شد که قوانین محدودکننده بسیار زیادی دارد، اما می‌بینیم که با آمریکا قرارداد ۶۰ میلیارد دلاری امضا کرده؟

رمضان: دقیقا! اگر درباره حقوق بشر و حقوق زنان جدی هستند، چطور است که از عربستان حمایت می‌کنند، بدون این که کلماتی درباره آن چه در این کشور رخ می‌دهد، به زبان بیآورند؟ این را من دورویی می‌نامم. اتفاقی که در مصر رخ می‌دهد، راه‌پیمایی‌های گسترده‌ای است که برخلاف فضا سازی هفدمندی که در

بیشتر شبیه اولی می‌ماند. پس واضح است که قدرت‌های غربی - و به نمایندگی از آن‌ها تونی بلر - تغییراتی می‌خواستند که در انتهای آن، شرایط کلی جهانی تغییر نکنند. در مخالفت با این مسأله باید تأکید کنم که با حرف‌های طارق کاملاً موافق هستیم. در عصری زندگی می‌کنیم که مدعی چند فرهنگی بودن است، همه با دیده تردید به بحث جهانی شدن نگاه می‌کنند، و دائم تکرار می‌کنند که دموکراتیزه شدن، یک امر ماهیتا غربی است و باید مردم با فرهنگ‌های مختلف را درک کنید. اما نکته‌ای که مرا شدیداً متأثر می‌کند، نه تنها نگاه کردن به تصویر کلی قاهره این روزها و یا گوش کردن به مصاحبه‌هایی است که با تظاهرات‌کنندگان انجام می‌شود، بلکه این است که این بحث «چند فرهنگی» در این‌جا توسط منادیانش به شکلی بی‌مفهوم می‌شود. وقتی در آن‌جا [مصر] در حال مقابله با یک مستبد هستید، تمام مردم جهان باید با آن‌ها همبستگی کنند. این‌جاست که چند فرهنگی معنا و مفهوم پیدا می‌کند، نه در شعار و حرف. آن چه در تونس و مصر رخ می‌دهد، دقیقا انقلابی جهانی برای احترام، حقوق بشر عدالت اقتصادی است و این، جهانی شدن است.

برخی می‌خواهند این مطلب را جا بیندازند که اعراب فرهنگ خاص خودشان را دارند و نمی‌توانند دموکراسی داشته باشند. در صورتی که مردم مصر به‌خوبی آن را درک کرده‌اند، و از طریق اقدامات‌شان تلاش می‌کنند که به آن دست یابند. حتی بهتر از ما مردم غرب. من به آن‌ها افتخار می‌کنم. این بهترین شاهد بر غلط بودن حرف‌های واهی‌شان، مانند برخورد تمدن‌هاست.

مجرى: طارق رمضان! نظر شما در این باره چیست؟ با نگاه به گزیننده‌های محتمل، آیا امکان دارد که اسلام‌گرایی یا هرگونه اسلام سیاسی با لیبرال - دموکراسی سکولار با هم در آینده مصر

متن مناظره طارق رمضان با اسلاوی ژبک در الجزیره

خیزش مردم مصر زمینه تغییرات واقعی

حمزه نوری

حرف مردم باید گوش دهیم که می‌گویند دیگر نظام دیکتاتوری نمی‌خواهند، و آزادی بیشتر احترام می‌خواهند. و این مسأله‌ای است که باید درک شود. پس این مطلب که دو حالت بیشتر وجود ندارد: یا دیکتاتوری یا اسلام‌گرایی تندرو؛ حرفی است که با مقاصد خاص زده می‌شود، نه بر اساس واقعیت‌ها. ریشه انقلاب از مردمی است که در میدان می‌گویند که تغییرات می‌خواهیم و آزادی.

مجرى: اسلاوی ژبک! شما در مطلب‌تان به صحبت‌های تونی بلر، نخست‌وزیر سابق انگلیس، که در حال حاضر فرستاده ویژه خاورمیانه گروه چهار است، اشاره کرده‌اید. بلر در مصاحبه‌اش نوعی ترس از روند جریان‌ها داشته است. وی در این باره صحبت کرده است که غرب باید وضعیت و انتقال را مدیریت کند. نظر‌تان در این زمینه چیست؟ آیا منظور وی این بوده که مسلمانان یا اعراب این ارزش را ندارند که از دموکراسی برخوردار باشند؟

ژبک: روشن است که این مطلب را به چنین صراحتی نمی‌توانید بگویید. اما نتیجه‌ای که از صحبت‌هایش می‌توان گرفت، مبهم نبود. می‌دانید که یک ضرب‌المثل فوق‌العاده فرانسوی است که می‌گوید: «هرچه بیشتر تغییر می‌کند،

با ادامه ناآرامی‌ها در مصر، آیا الهام‌بخشی روحیه انقلابی، باعث خلق یک ساختار جدیدی خواهد شد؟ در حالی که معترضین اصرار به برکناری مبارک داشتند، دولت‌های غربی با شک و تردید در این زمینه اظهار نظر می‌کردند. آن‌ها می‌هراسیدند که هر اقدامی علیه رژیم‌های تمامیت‌خواه، باعث ایجاد حکومت مذهبی تندرو و مخالف غرب و اسرائیل شود. اما در حالی که مصر تلاش می‌کند که آینده‌اش را بازسازی کند، آیا احتمالات دیگری نیز وجود دارد که با این الگوهای کهنه متفاوت باشد. سؤال امروز برنامه ما این است که «آیا خیزش مصر می‌تواند باعث به‌وجود آمدن سیستم سیاسی جدیدی شود؟»

میهمانان ما از ونگوور کانادا، اسلام‌شناس مشهور طارق رمضان (نوه حسن البنا مؤسس اخوان المسلمین) و از لوویانا، پایتخت اسلوانی، فیلسوف مشهور و رادیکال اسلاوی ژبک، هستند. با طارق رمضان شروع می‌کنیم: به نظر‌تان آن چه را که در حال وقوع است، می‌توان یک انقلاب نامید؟

رمضان: بله، من معتقدم که بعد از تونس، آن چه در مصر رخ داد، باور نکردنی و هنوز هم غیرقابل پیش‌بینی است. اما به هر حال یک انقلاب است و من معتقدم که به



جهت رسیدن به اهداف ژئوپلیتیک انجام شده، به رهبری اخوان المسلمین رخ نداده است. علاوه بر این در خود اخوان المسلمین نیز گرایش‌های مختلفی وجود دارد، افرادی که در نحوه تفسیر و برداشت از اسلام، به عربستان بسیار نزدیک هستند و همچنین در نقطه مقابل، افرادی که به برداشت ترک‌ها نزدیک هستند. و این افراد در ۱۶ سال گذشته رادیکال نبوده‌اند: آن‌ها مطیع قانون، اهل مسالمت و برضاستعمار بوده و خواستار آزادی هستند. مشکل در مصر، مسأله‌ای مانند زنان نیست، بلکه این است که مردم می‌خواهند زیر فشار آمریکا نبوده و اسرائیل به حقوق مردم فلسطین گردن بنهد و کشورشان تنها به دنبال روند صلحی با دیکتاتورهای برای ساکت کردن فلسطینیان نباشد.

■ **مجرى:** می‌خواهم صحنه‌هایی را که از حضور میلیونی مردم در میدان تحریر دیدید، با صحنه‌های میدان فردوس که در زمان سقوط صدام شاهد آن بودیم، مقایسه کنید. هنگامی که مجسمه صدام به زیر کشیده شد، تنها ۵۰ یا ۶۰ نفر آن‌جا بودند. در آن زمان، این تصاویر را به عنوان سندی محکم برای آن‌ها که مردم عراق از صدام خسته شده‌اند، آورده بودند، اما حال که تصاویر بالای یک میلیون نفری از قاهره را داشتیم، بازم نسبت به درستی کار ابراز تردید می‌کردند. آیا این مضحک نیست؟

■ **ژئوک:** من کاملاً با شما موافقم. با خبرنگاری صحبت کردم که در زمان به زیر کشیدن مجسمه صدام، در آن‌جا حضور داشت. وی شاهد بوده که چند لحظه قبل از آن، آمریکایی‌ها با پول تعدادی از افراد را راضی می‌کردند که در آن‌جا جمع شوند. آن‌ها نه تنها ۵۰ نفر بودند، بلکه حضورشان حاصل یک برنامه نمایشی بود! انگار آمریکا از روی یک متن از پیش آماده، داشت تمام اشتباهات ممکن را در آن‌جا مرتکب می‌شد، و حالا هم هزینه آن را می‌پردازد.

اما بحث کنونی، چیز دیگری است. چیزی که می‌خواهم بگویم این است که اولاً نگاه کنید که تمامی این‌ها از اسلام‌گرایی و گرایش‌های مذهبی که در آمریکایی‌ها وجود دارد، از کجا نشأت گرفته است؟ من جایی مطالعه کردم که در آمریکا، بیشتر از ۳۰ درصد مردم، دارای عقاید خرافی مانند شیطان‌پرستی و احضار ارواح هستند. پس آمریکایی‌ها به هیچ‌وجه مجاز نیستند که بقیه را متهم به خام بودن کنند. آمریکا عمیقاً در این زمینه مقصر است و می‌توانم تضمین کنم که آن‌ها از خیلی‌ها از کج‌اندیشان افغانی هم بدتر هستند.

نکته دوم این است که تمام این مطالبی که درباره اسلام بیان می‌کنند، بحث حق انتخاب میان اسلام‌گرایی افراطی و لیبرال دموکراسی نیست. در اسلام نیز مطالب فوق‌العاده‌ای هست که حرفی از آن نمی‌زند. می‌خواهم یک مثال بسیار جالب در این زمینه برای‌تان بزنم: چند هفته پیش در قطر به دیدن موزه هنر اسلامی رفته بودم. و در آن‌جا کتیبه‌ای دیدم که ضرب‌المثل فوق‌العاده‌ای از یک فیلسوف

قدیمی ایرانی، بر روی آن نوشته شده بود: «تنها یک دیوانه پس از دست دادن یک موقعیت، تقصیر را بر گردن تقدیر می‌اندازد.» پس ما یک فلسفه اسلامی داریم که از کلیشه‌هایی که غربی‌ها مدعی آن هستند، بسیار عمیق‌تر است. به این معنا که می‌گوید که شما آزادی‌گرا انتخاب کنید و آن‌هایی که از فرصت‌ها استفاده مطلوب نمی‌کنند، تقصیر را بر گردن سرنوشت می‌اندازند.

پس به نظرم ریشه مشکل را باید در جای دیگری جست‌وجو کرد. پس اگر فکر کنیم که انتخاب میان دو گزینه اسلام‌گرایی افراطی و لیبرال دموکراسی است، به نتیجه‌ای نخواهیم رسید. به نظرم تراژدی اصلی در کشورهای عربی، از بین رفتن سکولاریزم به معنای مذهبی نیست، بلکه از بین رفتن سکولاریزم به معنای مؤلفه‌هایی همچون صلح‌طلبی، عدالت، آزادی و ... است. باید جریانی چپ به راه بیافتد که می‌تواند مسلمان هم باشد، اما به دنبال چنین مؤلفه‌هایی نباشد. به نظرم رشد بنیادگرایی نامطلوب، تنها به دلیل خلابی است که از عدم حضور این جریان «چپ» به وجود آمده. و این‌جا یک نتیجه‌گیری بسیار افراطی تری می‌کنم که فقط مربوط به کشورهای اسلام‌گرا نیست. تاریخ بارها در این زمینه تکرار شده است و مثال آن افغانستان است که در رسانه‌های غربی به عنوان یک کشور دیوانه و شدیداً بنیادگرا معرفی می‌شود، اما من آن قدر سن دارم که ۴۰ سال پیش را به یاد بیاورم. افغانستان کشوری بسیار آزاد و سکولار بود که پادشاهی طرفدار غرب و تکنوکرات داشت. همه می‌دانیم که پس از آن چه رخ داد: کمونیست‌ها کودتا کردند، شوروی مداخله کرد و آمریکایی‌ها نیز در برابر آن موضع‌گیری کردند. نتیجه این روند، وضعیت کنونی کشور و بنیادگرا شدن آن است. به‌عنوان نتیجه‌گیری دوباره تأکید می‌کنم که بسیار مهم است که یک جریان چپ در این‌جا تشکیل شود که کشورهای عربی را نجات دهد.

■ **مجرى:** نگرانی بسیاری از افراد، در حلقه‌های روشنفکری، درباره مصر، این است که وقتی ائتلاف مختلف مردم در این قیام حضور داشته‌اند، در انتها اسلام‌گرایان بخواهند آن‌ها را به نفع خودشان مصادره کنند. آیا به نظر‌تان این حرف اعتباری دارد؟

■ **رمضان:** نه، همان‌طوری که قبلاً نیز گفتیم، این صحبت‌ها تنها در برخی از حلقه‌ها مطرح است و نتیجه تبلیغات اسرائیلی است. اگر به آن‌چه در تونس رخ داد نگاه کنید، می‌بینید که انقلاب مصر نیز در همان مسیر گام برمی‌دارد.

مردم و جوانان هستند که از طبقه‌ها و نقاط مختلف آمده بودند تا به مبارک بگویند که در ۳۰ سال گذشته خود این مملکت را اداره می‌کردی و حالا هم برای جانشینی پسرت زمینه‌چینی می‌کنی. ما شماها را نمی‌خواهیم، ما سیستم را نمی‌خواهیم. اما رهبری جریان، به هیچ‌وجه یک رهبری اسلام‌گرایانه نیست. البته برخی تلاش می‌کردند که البرادعی

را جلو بیاورند تا او را رهبر مردم کنند. به‌نظرم بحرانی که حالا وجود دارد این است که برای زمان بعد از مبارک، چگونه برنامه‌ریزی کنند و این مسأله مهمی است که باید تلاش‌هایی صورت گیرد تا به تفاهمی دست یابند. می‌دانید که در پنج سال اخیر، خود اخوان المسلمین تحت ائتلافی به نام «کفایه» بوده است که معنای ضمنی آن کافی بود حکومت وی است! پس به‌نظرم ادعایی که بیان کردید اشتباه است. علاوه بر این خود اخوان المسلمین طی سال‌ها تغییراتی داشته‌است.

■ **مجرى:** برایم جالب بود که گفتید تغییراتی داشته‌اند. زیرا که لازم بود به ذکر است که حسن الینا، پدر بزرگ شما، این سازمان را تأسیس کرده است. آیا فکر می‌کنید که اخوان المسلمین در شرایط کنونی، دارای مشخصات اولیه‌ای هستند که سال‌ها پیش حسن الینا مدنظر داشت و همان روح و پیامی که وی می‌خواست را دارند؟

■ **رمضان:** نه. به‌نظرم تغییراتی در این‌جا رخ داده است که مربوط به تاریخ است. وی در زمان قبل از خفقان، مخالف استعمار انگلیس بود. وی جنبشی علیه استعمار داشت که سعی می‌کرد که به مردم عادی آگاهی دهد. سپس سرکوب در زمان ناصر به وقوع پیوست که بسیاری از همراهان و دوستان آن‌ها را کشت. و این باعث شد که بسیاری از اعضای اخوان المسلمین کشور را ترک کرده و حالتی افراطی پیدا کنند. برخی از مردم مجبور به پناهندگی به کشورهای همچون عربستان، غرب، اندونزی و ترکیه شدند. پس تنوع نظرات وجود داشته و کلیت آن نیز با گذشت زمان تغییر داشته است. روزگاری آن‌ها می‌گفتند «نه به دموکراسی»، زمان دیگری می‌گفتند «نه به حضور زنان در سیاست» و بازم تغییر کردند. آن‌ها در حال حرکت هستند. نمونه دیگر در ترکیه است: از ارکان تا اردوغان، تغییراتی وجود داشته است. و این ادعا که اسلام مخالف دموکراسی است، مسأله غلطی به حساب می‌آید. این‌ها تنها تبلیغاتی است تا مردم را مجبور به پذیرش دیکتاتوری کنند تا از امنیت و ثبات برخوردار شوند. باید این دیدگاه را به چالش بکشیم. نکته من این است که خودم هم با برخی از رهبران و حتی برخی از رهبران اخوان المسلمین، درباره مسائل مختلف مخالفم. اگر حقیقتاً به دنبال روند دموکراتیک واقعی هستید، تنها راه حل به چالش کشیدن مردم است. به آن‌ها بگویید که تا زمانی که از قانون تبعیت می‌کنید و درباره برگزاری انتخابات جدی هستند و از فرایند دموکراتیک قبل و بعد از انتخابات پیروی می‌کنید، باید به آن‌ها اجازه صحبت کردن داده شود. نه این‌ها فردی تنها به دلیل آن که غربی است، بیاید و برای عرب‌ها سخنرانی کند و دستورالعمل صادر کند. متأسفم که بگویم که حرف‌هایی که تونی بلر زده است، غیرقابل قبول است. کسی که خود به‌تازگی باعث جنگ در عراق شده است، می‌آید از دموکراسی حرف می‌زند و به ما می‌گوید که از مبارک باید حمایت کرد!

■ **مجرى:** اجازه بدهید ایمیلی که در این رابطه به دستم رسیده بخوانم. می‌توانید نظر‌تان را بعد از آن بگویید. ولی ابتدا بگذارید این ایمیل را مطرح کنم، شاید مرتبط با صحبت‌های مان باشد. آرش حکیمی نیا نوشته «کنتر ژئوک در مقاله اخیرش در رابطه با مصر جمله‌ای از مانو آورده که «باین تر از بهشت هرج و مرج زیادی است - شرایط عالی است»، می‌توانید در این زمینه توضیحی بدهید؟

■ **ژئوک:** روشن است که من از هرج و مرج دفاع نمی‌کنم. من خودم چندین بار در چنین شرایطی قرار گرفته‌ام و می‌دانم چقدر هراسناک است. اما بگذارید رک باشم. بدون چنین شرایط هرج و مرجی که مشخص نیست قدرت در دستان کیست، تغییری صورت نمی‌گیرد. باید کسانی که در مسند قدرت هستند، به چنین وضعی دچار شوند تا سقوط کنند. این شرایطی بود که بر مبارک نیز تحمیل شد. در ارتقاعی قرار گرفت که زیر پایش خالی است.

مطلب دیگر درباره هراس آفرینی اسرائیل از به قدرت رسیدن اخوان المسلمین است، آن‌ها باید از مطلب دیگری نگران باشند. چیزی که در آخرین تغییر و تحولات اسرائیل بسیار ناامیدکننده است، این نیست که چرا آمریکا دیگر فشاری بر آن‌ها وارد نمی‌کند تا از شهرک‌سازی دست بکشند و یا حتی افشای‌های ویکی‌لیکس. به یاد می‌آورم ۱۰ سال پیش که در اسرائیل بودم، دوستانم به من می‌گفتند: «بین که ما عدالت را در کرانه باختری برقرار کردیم، اما نتیجه‌اش این شد که دائم تروریسم و بمب‌گذاری داریم. دیگر نمی‌توانیم مذاکره کنیم. اول فلسطینی‌ها باید دست از این اقدامات‌شان بردارند. اما حالا، آن‌ها متوقف کرده‌اند. پنج سال است که در کرانه باختری، آن چیزی که اسمش را «تور» گذاشته بودند، وجود ندارد. اما در طرف مقابل، حتی با سرعت بالاتر شاهد زمین‌زدی توسط اسرائیلی‌ها هستیم. آیا می‌توانید تصور کنید که این اقدام حامل چه پیام ناامیدکننده‌ای است؟ مانند این است که اسرائیلی‌ها به فلسطینیان، این پیام را می‌دهند که از طریق جنگ بهتر از صلح می‌توانید به نتیجه برسید.

■ **مجرى:** با توجه به پایان زمان برنامه، خواهش‌مندم که طاروق رمضان در کمتر از ۳۰ ثانیه آخرین نظراتش را بگوید.

■ **رمضان:** مسأله‌ای که می‌خواهم به آن تأکید کنم، با توجه به این که درباره شرایط کنونی بحث می‌کنیم، باید این را تکرار کنیم و امیدوارم که بالأخره این حرف‌مان پذیرفته شود که باید طبق اصول‌مان عمل کنیم. و این مسئولیت بزرگی است! بینندگان‌مان باید به این نکته که نباید پذیرفت تا به اسم امنیت، دیکتاتور را بر مسند قدرت نگه داشت. از طرف دیگر باید دانست که در آینده مصر تنها دو گزینه وجود ندارد. اسلام‌گرایی دارای وجوه مختلفی است. بگذارید مردم خواسته خود را در این زمینه ابراز کنند. مثال‌هایی از دیگر کشورهایی که حکومت اسلامی دارند نیز می‌تواند به ما کمک کند ■

باید دانست که در آینده مصر تنها دو گزینه وجود ندارد. اسلام‌گرایی دارای وجوه مختلفی است. بگذارید مردم خواسته خود را در این زمینه ابراز کنند. مثال‌هایی از دیگر کشورهایی که حکومت اسلامی دارند نیز می‌تواند به ما کمک کند